

پیشینه پژوهش و مرور سیستمی ادبیات علمی (۲) پیشنهاداتی برای دستور کار دانشکده‌ها، موسسات پژوهشی و پایان نامه‌های تحصیلات تکمیلی: راهنمای عملی

کیومرث اشتریان*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

راضیه امامی میبدی

دکترای سیاستگذاری عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۳ - تاریخ تصویب: ۹۰/۱۲/۲۱)

چکیده:

توسعه نگارش پیشینه پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مستلزم آموزش و ترویج آن در دپارتمان‌های علمی و پژوهشی و هدایت گام به گام دانشجویان برای انجام آن است. در این راستا، این مقاله به اقدامات عملی نگارش پیشینه پژوهش پرداخته و مرور سیستمی را به عنوان متدولوژی انجام آن معرفی می‌کند. مرور سیستمی به لحاظ لوازم متدولوژیک و گستردگی آن و امکاناتی که لازم دارد معمولاً در موسسات پژوهشی و برای اهداف ویژه‌ای کاربرد دارد. همچنین خود می‌تواند به صورت مطالعه یا پژوهشی مستقل مطرح شود در حالیکه مرور سنتی معمولاً مقدمه‌ای برای پژوهشی جدید توسط پژوهشگران یا دانشجویان تلقی می‌شود. به رغم مزایای مرور سیستمی، پیشنهاد اصلی ما در این مقاله آن است که با توجه به وضعیت فعلی پژوهش در کشور و عدم انسجام آن و ناشناخته بودن بسیاری از مطالعات و عدم استفاده از دستاوردهای آنها، مرور سنتی نیز باید به مثابه مطالعات مستقل مورد حمایت قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

پیشینه پژوهش، مرور سیستمی، مرور سنتی، راهنمای عملی

مقدمه

نگارش پیشینه پژوهش به مثابه برنامه پژوهشی منظم دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در ایران سابقه قابل توجهی ندارد [یا بی سابقه است]. منابع فارسی موجود برای هدایت فکری و عملی دانشجویان و پژوهشگران به انجام این مهم کفایت نمی‌کنند و نیاز به راهنماهای مشروح و عملیاتی بسیار محسوس است. چه بسا دانشجویانی که در مقطع کارشناسی ارشد در نگارش پیشینه پژوهش پایان‌نامه با ابهام و پرسش مواجهند و نمی‌دانند چگونه باید آن را انجام دهند. این ضرورت هنگامی که از نگارش پیشینه پژوهش به مثابه یک پژوهش مستقل در قامت یک پایان‌نامه یا گزارش پژوهشی یک دپارتمان صحبت می‌کنیم تشدید می‌شود. در این مقاله تلاش شده دستورالعمل‌های نگارش پیشینه پژوهش با تفصیل بیشتری ارائه شود و دانشجویان با مرور سیستمی به عنوان متدولوژی نگارش پیشینه پژوهش آشنا شوند.

ابهامات اولیه

معمولاً ابهامات ذیل فراروی پژوهشگران تازه کاری که می‌خواهند به نگارش پیشینه پژوهش بپردازند قرار دارد:

۱. چگونه به انتقال نظرات خودم بپردازم؟
۲. آیا می‌توانم کارهای دیگران را نقد کنم؟
۳. آیا باید هر منبعی را به اهداف پژوهش گره بزنم؟
۴. اگر کار مشابهی در زمینه خاص من نباشد چه باید کرد؟

در پاسخ به پرسش اول، هدف مرور ادبیات انتقال نظرات شخصی به خواننده نیست. باید توجه کرد میان انتقادی نوشتن و انتقال نظرات شخصی پژوهشگر تفاوت وجود دارد. دیدگاه‌های پژوهشگر باید محصول مرور ادبیات باشد. در صورتی که شواهد ارائه شده از منبع معتبر دیگر به اندازه کافی قوی نباشد بیان آراء شخصی فایده‌اندکی دارد. اگر دانشجوی تحصیلات تکمیلی می‌خواهد از بدنه آراء تخصصی تغییر جهت بدهد ولی داده‌های قوی علمی ندارد، مطالعه اکتشافی تنها راه معتبری است که فراروی وی قرار دارد.

درباره پرسش دوم، دانشجوی تحصیلات تکمیلی به عنوان ناظری که باید فروتنی و بیطرفی را رعایت کند نمی‌تواند از سایر متخصصان صرفاً به واسطه آراء شخصی انتقاد کند. کار دیگران باید فقط به گونه‌ای متوازن از طریق تحقیقات دیگران [از قول دیگران] یا داده‌های قوی علمی نقد شود. این به معنای منفعل بودن پژوهشگر نیست بلکه به اهمیت نقد مستند به داده‌ها و اطلاعات معتبر و نه صرفاً تفسیرهای ذهنی اشاره دارد.

پاسخ به سؤال سوم تا حدی پیچیده است. پیوند دادن هر مقاله مورد استناد با اهداف

اصلی پژوهش اهمیت دارد اما آن را می‌توان در بخش‌هایی از پیشینه پژوهش که نمایانگر جریان‌های کلی بدنه دانش است تعدیل کرد.

پرسش چهارم بیشتر به احساس دانشجوی تحصیلات تکمیلی بر می‌گردد که گمان می‌کند نظریه‌ای انقلابی کشف کرده که پیش از او، کسی هرگز روی آن کار نکرده است؛ اما این امر بیشتر از منحصر به فرد بودن موضوع، معمولاً به ضعف دانشجو در شناسایی واژگان کلیدی پژوهش برمی‌گردد که نتوانسته مقالات مناسب را پیدا کند. به هر حال، هنگام بروز چنین مشکلی، راه حل، بازگشت به قیف مرور ادبیات^۱ و گریز به بحث کلی روی موضوع وسیع‌تر است. در تحلیل نهایی، پیشینه پژوهش گرایش به این دارد که نشان دهد پژوهش تخصصی بیشتر نوعی بررسی سیستمیک است و نه ضرورتاً اکتشافات چشمگیری که دیگران شاید هرگز انجام نداده‌اند (Toncich, 2006:163-166).

اقدامات عملی برای تهیه پیشینه پژوهش

اقداماتی که طی تدوین پیشینه پژوهش به انجام می‌رسد را در زیر فهرست کرده‌ایم. برای این مقصود در حین طرح نقطه نظرات خود، مواردی را از ادبیات موجود استخراج و ارائه نموده‌ایم. استفاده از این نوشته‌ها سبب شده است که گاه تکرار پیش آید. این تکرار هم به کار تاکید می‌آید و هم برای آموزش مفید است. در این راه سعی کرده‌ایم که نوعی نظم و ترتیب را لحاظ کنیم اما این کار، به معنای توالی این اقدامات و سلسله مراتبی بودن آنها نیست.

۱- تعیین دامنه پژوهش: پیشینه پژوهش بر محور پرسش و فرضیه می‌چرخد. به نظر ما بهترین شکل پیشینه پژوهش آن است که بر محور پرسش اصلی تحقیق شکل بگیرد و حتی الامکان از مباحث حاشیه‌ای و پرداختن به "موضوع کلی" پژوهش اجتناب ورزد. اما اگر منابع و تحقیقات مربوط به پرسش اندک باشد از روی ناچاری پژوهشگر می‌تواند از پرسش پژوهش پا را فراتر بگذارد و "موضوع" تحقیق را محور کار خود قرار دهد. البته در چنین صورتی باز هم باید به نتیجه‌گیری از موضوعات مطروحه در ارتباط با پرسش خود بپردازد.

پژوهشگر در ابتدا ممکن است مطالعه نسبتاً وسیعی درباره موضوع کند تا درک وی را از حوزه مورد نظر غنی کند. این امر برای پالایش موضوع و خلق چشم‌اندازی که پژوهش طی خواهد کرد مفید است. مثلاً به تکمیل شکاف‌های تحقیقاتی‌ای کمک می‌کند که ممکن است موقعیت خوبی برای پژوهش وی فراهم کند. علاوه بر این به پژوهشگر توانایی چگونگی توسعه یا تقویت مطالعاتی که تاکنون انجام شده است را می‌دهد. مجدداً تاکید می‌شود پیشینه

۱. در ادامه، قیف مرور ادبیات را توضیح خواهیم داد.

پژوهش باید مربوط به پرسش پژوهش باشد و آن را توضیح دهد. گرچه ممکن است به نظر رسد که صدها منبع اطلاعات مرتبط را دارند اما داشتن سوال پژوهشگر را قادر می‌کند که دامنه منابع خود را پالایش و محدود کند (Ferfolja and Burnett, 2002).

در هر صورت پژوهشگر باید بتواند تفکیکی بین موضوع تحقیق و پرسش تحقیق انجام دهد. موضوع تحقیق کلی‌تر از پرسش تحقیق است. پرسش تحقیق برشی جزئی و محدود از یک موضوع کلی است.^۱ مثلاً این پرسش که مبنای سیاست خارجی آمریکا در زمان بیل کلینتون در ارتباط با لبنان چیست؟ برشی جزئی و محدود از موضوعی کلی‌تر یعنی سیاست خارجی آمریکاست. پژوهشگر باید به این تفکیک واقف باشد و پیشینه پژوهش را از نقطه ثقل اصلی پژوهش یعنی سیاست خارجی کلینتون در ارتباط با لبنان شروع نماید و بتدریج دامنه کار را تا سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه گسترش دهد و در این حیطه پیشینه پژوهش خود را تکمیل کند. به بیان ساده‌تر و صریح‌تر در اینجا پیشینه پژوهش عبارتست از ارائه گزارشی تحلیلی - انتقادی از پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا در لبنان در زمان بیل کلینتون.

۲- منبع یابی: آنگاه که حیطه پیشینه پژوهش مشخص شد پژوهشگر باید به شناسایی و جمع‌آوری منابع بپردازد. نکته ظریف در اینجا آن است که دانشجوی تازه کار نباید به مجرد پیدا کردن نخستین کتاب شروع به خواندن آن بنماید. قبل از شروع مطالعه باید اطمینان یابیم که مهمترین منابع را فهرست کرده‌ایم و سپس بر اساس اولویت (زمانی، موضوعی یا...) شروع به مطالعه نماییم. چگونگی انجام پیشینه پژوهش به هدف اصلی مرور ادبیات و مرحله توسعه موضوع پژوهش بستگی دارد. جستجوی کامل متون شامل هر چیز منتشر شده‌ای از قبیل ژورنال‌های تخصصی، مجلات، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، اسناد و نشریات دولتی و صورتجلسات کنفرانس‌ها می‌شود. دانستن واژگان کلیدی مرتبط با موضوع برای یافتن متون مناسب ضروری است. جستجوی منابع شامل اطلاعات موجود در نمایه‌ها، کتابشناسی‌ها و مجموعه خلاصه‌ها نیز می‌شود. نقل قول‌ها نیز به یافتن منابع کمک می‌کنند (Buttolph and Richard, 1995:156-163).

مشورت با اهل فن در منبع یابی از اهمیت خاص خود برخوردار است. از آنجا که پیشینه پژوهش در نظر دارد نشان دهد که به پرسش ما چه کسانی و چگونه پاسخ داده‌اند و نیز از آنجا که با پیشینه پژوهش در نظر داریم دستاوردهای مهم علمی را در زمینه پرسش تحقیق ذکر نماییم، باید منبع یابی جامعی را، حداقل از مهمترین منابع، به انجام رسانیم. اما مشکل اینجا است

۱. برای بحث بیشتر در این باره ر.ک. کیومرث اشتریان. "مهندسی سؤال پژوهش" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۷.

که دانشجوی تازه‌کار (یا حتی پژوهشگری حرفه‌ای که به تازگی با موضوعی روبرو شده است) معمولاً نمی‌داند که کدام منبع مهمتر است؟ یا کدامیک از نویسندگان عالمانه‌تر و حرفه‌ای‌تر به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند؟ از اینرو بهتر است که برای منبع‌یابی از مشاوره اصحاب فن، استادان و متخصصین بهره‌مند شویم و از آنان درباره مهمترین نویسندگان و پژوهشگران در زمینه مورد نظر پرس‌وجو نماییم. این اقدام راه میان‌بر خوبی برای پژوهشگر است تا با مطالعه کارهای ضعیف و غیر علمی وقت خود را تلف نکند.

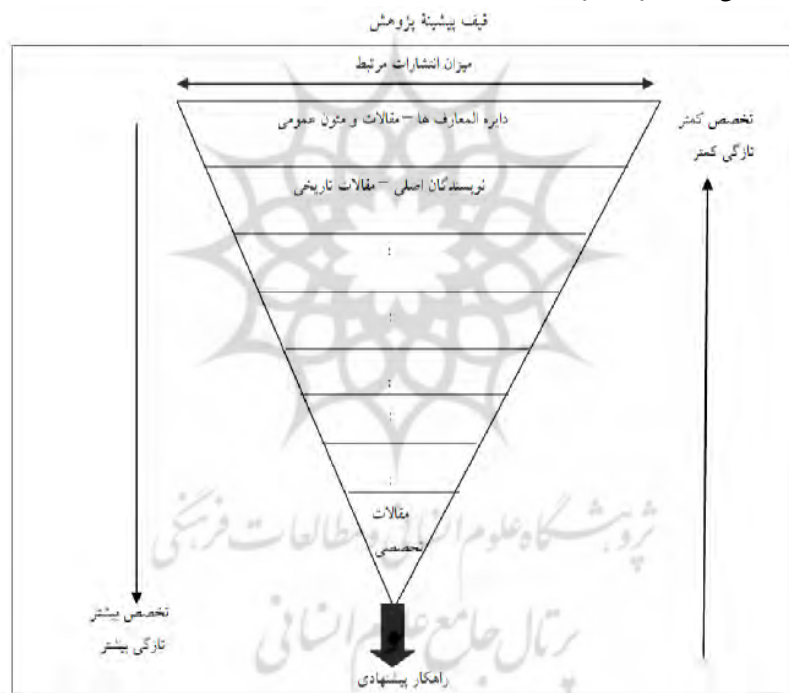
پیشینه پژوهش مخزن اطلاعات نیست بلکه ابزار دستیابی به هدف پژوهش است؛ لذا مراجعی در آن ذکر می‌شوند که با روش‌ها و اهداف پژوهش ارتباط داشته یا تغییری در آن ایجاد کرده‌اند (Toncich, 2006:160). بوتولف و ریچارد به پژوهشگران توصیه می‌کنند که مهمترین و مرتبطترین گزارش‌های تحقیقاتی را بلافاصله مکان‌یابی کرده و بجای خواندن همه آنچه پیدا کرده‌اند بر روی آنها متمرکز شوند؛ همچنین با مطالعه تازه‌ترین متون منتشره شروع کنند زیرا آنها یا به متون قبلی پرداخته‌اند یا به آنها ارجاع داده‌اند که این اهمیت مرور منبع مذکور را می‌رساند. تعداد نقل قول‌هایی که از یک منبع می‌شود می‌تواند به پژوهشگر کمک کند که کدام منبع را اول بخواند (Buttolph and Richard, 1995:163-164) در این راستا توسنیچ فرایند ساختاری کیفی شکل را پیشنهاد می‌دهد:

فرآیند پیشینه پژوهش را می‌توان به صورت یک قیف در نظر گرفت. پهنای قیف نمایانگر شمار انتشاراتی است که در دسترس هستند و عمق آن گویای افزایش یا کاهش تخصصی شدن یا ارتباط با موضوع یا پرسش است. در بالای قیف، مرور ادبیات شامل منابعی است که عرصه عمومی پژوهش را با اصطلاحاتی عام پوشش می‌دهند. اینها می‌توانند کتاب‌های درسی عمومی، دایره‌المعارف‌ها و مانند آن باشد. بسیاری از این منابع به خاطر عمومی بودن معمولاً در دسترس هستند. پس از آن مقالات پژوهشی تاریخی و اصیل قرار دارند که بر زمینه عمومی مطالعه دلالت دارند. با حرکت به سمت پایین قیف مرور ادبیات، شمار مقالات در دسترس کاهش می‌یابد چون تخصصی شدن افزایش می‌یابد.

مرور ادبیات با مطالب عمومی و تاریخی آغاز شده و به تدریج به مسائل تخصصی‌تر می‌پردازد و در نهایت به مسیر مورد نظر برنامه پژوهش ختم می‌شود. دایره‌المعارف‌های معتبر و تخصصی ویراسته شده نسبت به کتاب‌های درسی دانشگاهی یا مقالات مجلات تخصصی نقطه شروع مناسب‌تری برای برنامه پژوهشی و نگارش پیشینه پژوهش به شمار می‌روند زیرا آنها موضوعی را با عمق کم اما عرض زیاد پوشش می‌دهند. چند صفحه از دایره‌المعارف می‌تواند طیفی کامل از کلمات کلیدی، عبارت‌ها و عرصه‌های مرتبط به مطالعه را نشان دهد. بعداً می‌توان در میان کتاب‌های درسی و مقاله‌های پژوهشی این طیف را دنبال کرد و بررسی

نمود. از آنجا که دایره‌المعارف‌ها معمولاً زمینه‌ها و چارچوب‌های زمانی تاریخی را در خصوص موضوعات فراهم می‌آورند لازم است که دانشجویان دکترا برای شروع رساله خود یا برای نگارش پیشینه پژوهش به سراغ آنها بروند (Toncich, 2006:146-147).

۳- یادداشت برداری: یادداشت برداری کامل، زمان پژوهش را اندوخته می‌کند بطوری که دسترسی دوباره به منابع می‌تواند به سرعت انجام شود. یک پیشنهاد ساده و عملیاتی آن است که هنگام جستجوی رایانه‌ای، فایل‌ها را در Word باز کنید و برای ثبت یافته‌ها مدام میان صفحه جستجو و صفحه Word تغییر وضعیت دهید (<http://www.tui.edu/current/phd/first/Ir.asp>). فیش برداری رایانه‌ای و استفاده از یک سیستم جستجوی موضوعی برای فیش‌هایتان به کار شما سرعت می‌دهد. برای اینکار سعی کنید حتماً در جریان نرم افزارهایی که در همین زمینه نوبه نو تولید می‌شوند قرار بگیرید.



(منبع: Toncich, 2006:146)

۴- ارزیابی اعتبار پژوهش‌ها: عنصر کلیدی فرآیند پیشینه پژوهش، توانایی دسته‌بندی از میان داده‌های متنوع و وسیع و تعیین اینکه کدام عناصر از آن داده‌ها واقعیت‌های معتبری هستند و کدام آراء یا نظریه‌ها بی‌اعتبار یا غلط هستند، می‌باشد. این ارزیابی و معتبرسازی باید با حفظ بی‌طرفی صورت گیرد. میزان نقل قولی که از متون می‌شود نشان می‌دهد که تا چه حد

نویسندگان دیگر آن کار را بازتولید کرده یا توسعه داده‌اند. در عین حال نشان می‌دهد که تا چه حد نتایج پژوهشی به روش متفاوتی دوباره تأیید اعتبار شده یا از آنها نتیجه ملموس و کاربردی بدست آمده است. این نتایج، معیار مناسبی برای ارزیابی پژوهش‌هاست، اما نمی‌تواند اعتبار آنها را کاملاً تضمین کند. معیار دیگر زمان است؛ هر چه مدت بیشتری یک نظریه یا برهان استفاده شده و توسعه یابد، شاهدی بر اعتبار بیشتر آن است (Toncich, 2006:140-145). کشف جریان منطقی رویدادهای علمی در سایه چنین مرورهایی در پیشینه پژوهش میسر است و این یکی از اهداف مهم پیشینه پژوهش است. بدینسان، دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و بویژه دانشجویان دکترا باید در پی کشف جریان رویدادهای علمی باشند، چرا که با این اقدام می‌توانند سهم جدیدی را که می‌خواهند با رساله دکترای خود در پیشرفت علم داشته باشند مشخص نمایند.

۵- سازماندهی: سازماندهی پیشینه پژوهش اهمیتی درخور دارد و توجه به آن ضروری است. این سازماندهی پژوهشگر و خواننده مرور ادبیات را از سردرگمی نجات می‌دهد. استفاده از روش‌های تاریخی و موضوعی ساده‌ترین روش‌هاست. البته پژوهشگر می‌تواند در این زمینه ابتکار عمل را به دست گیرد و با نگاهی نو ادبیات را سامان دهد. در چنین صورتی این خود یک کار ارزشمند است که می‌تواند حتی به عنوان سهم علمی به شمار آید و پیشینه‌نویس را در قامت یک پژوهشگر مستقل بنمایاند. ارائه ادبیات با یک نگاه نو، مثلاً در یک چارچوب جدید نظری کاری مشکل است و برای چنین اقدامی پژوهشگر نه تنها باید تسلط کاملی بر ادبیات موضوع داشته باشد بلکه باید از قدرت فکری بالایی نیز برخوردار باشد. برخی از روش‌های سازماندهی پیشینه پژوهش عبارتست از:

- سازماندهی تاریخی (کرونولوژیک): سازماندهی بر حسب پیشینه تاریخی.
- سازماندهی مطالعات کلاسیک: سازماندهی بر حسب مهمترین نوشته‌ها (در هر حوزه‌ای مطالعات یا مقالات معیار (پایه) وجود دارند که باید ذکر شوند).
- سازماندهی موضوعی: سازماندهی بر حسب طبقات یا موضوعات مفهومی پژوهش فعلی.

• سازماندهی هرم وارونه: سازماندهی بر حسب ترتیب کمترین تا بیشترین تمرکز: پیشینه پژوهش با بحث از ادبیات مرتبط از چشم‌اندازی وسیع شروع می‌شود. سپس به مطالعات خاص‌تر و موضعی می‌پردازد که به طور فزاینده‌ای بر پرسش خاص پژوهش تمرکز دارند (Ferfolja and Burnett, 2002).

ارائه "چک لیستی" از مجموعه پرسش‌هایی که مرور ادبیات باید به آن پاسخ دهد برای سازماندهی مرور ضروری است. این "چک لیست" در حکم پرسش‌هایی است که یک

پایان‌نامه یا مقاله پژوهشی در پی پاسخ به آن است. به بیان دیگر اگر بخواهیم پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را فقط منحصر به نگارش یک پیشینه پژوهشی در خصوص یک موضوع یا یک پرسش کنیم (کاری که به نظر می‌آید برای دانشکده‌های ما و وضعیت علم در ایران بسیار ضروری باشد) باید به چنین پرسش‌هایی در طول پیشینه پژوهش پاسخ دهیم:

- چه چیزی در مورد موضوع می‌دانیم؟
 - سیر تاریخی (کرونولوژیک) توسعه دانش درباره موضوع چیست؟
 - آیا خلاءها و شکاف‌هایی در دانش موضوع وجود دارد؟ پژوهشگران دیگر برای پژوهش چه روزنه‌هایی را شناسایی کرده‌اند؟
 - آیا اجماعی روی مسائل مربوطه وجود دارد؟ یا بحث مهمی روی آنها در گرفته است؟ چه موضع‌گیری‌های مختلفی وجود دارد؟
 - به عنوان نتیجه پیشینه پژوهش، بارورترین مسیر برای پژوهش چیست؟ چه مسیری با کار پژوهشگران دیگر نمایان شده است؟ (<http://www.tui.edu/current/phd/first/tr.asp>)
- ۶- پالایش پژوهش‌ها: پیشینه پژوهش کارکردی پالایش‌گرانه دارد، و پژوهشگر در آن باید شماری از عناصر اساسی حوزه مورد مطالعه را نشان دهد یعنی اولاً: پژوهشگران اصلی و کلیدی در حوزه مورد مطالعه را معلوم کند. (یک بخش کلیدی ساختار مرور ادبیات، شناسایی نویسندگان اصلی و پژوهشگران کلیدی است نه ضرورتاً آنهایی که مشابه یکدیگرند. میزان نقل قول از یک کتاب شاخصی است که می‌تواند گویای اعتبار کتاب باشد.) ثانیاً: چارچوب‌های کلیدی حوزه مورد پرسش را کشف کند. ثالثاً: مرور ادبیات با توجه به محدودیت‌های زمانی تحمیل شده بر برنامه پژوهش جامع باشد. به بیان دیگر مبنای منطقی برای استنتاج اینکه مرور ادبیات (پیشینه پژوهش) نماینده موجه دانش موجود است وجود داشته باشد. رابعاً: نشان می‌دهد مبنای معقولی برای روش‌شناسی‌ها یا نظریه‌های پیشنهادی پژوهش فعلی وجود دارد که از مطالعه مفصل کار پژوهشگران دیگر ناشی شده است. خامساً: مرور ادبیات نشان دهد که آیا پژوهش فعلی اقتباس، تداوم یا بسط منطقی کارهای دیگران است یا یک کار جدید بوده و یک جهت‌گیری اساسی و جدید را در طرح موضوع پژوهش بوجود آورده است. در این صورت باید مستندات و پشتیبانی مستقلی برای چنین جهت‌گیری جدیدی وجود داشته باشد (Toncich, 2006:138-139) این تمییز را باید در بررسی پژوهش‌های موجود نیز مشخص کرد.
- جهت‌گیری اساسی جدید بدان معناست که مثلاً شمار قابل توجهی از پژوهشگران یک موضوع را از نگاهی خاص مطرح کرده‌اند اما یک پژوهشگر، افقی دیگر گشوده و موضوع را از نگاهی جدید مطرح کرده است. مثلاً نظریه انتخاب عقلانی دیرزمانی به عنوان پارادایم مسلط در علوم سیاسی و اقتصادی بر این باور بوده که عقلانیت و سنجش سود و زیان عامل

اساسی در رفتار سیاسی و اقتصادی است. در مقابل "کانمن" و "تورسکی" بیان داشته‌اند که عامل اساسی نه تعقیب منافع بلکه ترس از ضرر است. این دیدگاه، رویکردی روانشناسانه را برای تحلیل رفتار ارائه می‌دهد که به کلی با نگاه عقلانی مغایر است. بدینسان این دو دانشمند روانشناس جایزه نوبل اقتصاد را در سال ۲۰۰۲ از آن خود کردند. این یک نمونه از تغییر جهتی اساسی در طرح یک مساله و پاسخ به آن است که در مرور ادبیات پژوهش باید به این موارد اساسی و مهم در تاریخ علم توجه کرد.

از نظر "تونسیچ" یک اشتباه عام در مطالعات تحصیلات تکمیلی آن است که دانشجویان (بویژه دانشجویان دکتری) احساس می‌کنند که باید مسئله یا روشی کاملاً جدید را طرح کنند که ماهیت انقلابی و دامنه عظیمی داشته باشد، که این امر ضرورتاً با نوآوری و داشتن سهم علمی مستقل یکی نیست. بدینسان برخی از دانشجویان پیشینه پژوهش را به مثابه ابزاری برای بی‌اعتبار ساختن کارهای موجود به خدمت می‌گیرند. به نظر می‌آید یک خطر این کار این است که از دایره انصاف پا را فراتر گذاشته و بخواهیم به هر قیمتی کار دیگران را استخفاف کنیم. یا اینکه بخواهیم بدون پشتیبانی پژوهشگران دیگر نظرات و حرف‌های خود را به کرسی بنشانیم. "تونسیچ" توصیه می‌کند مناسبترین راهکار، یادگیری از دیگران و استفاده از دانش آنان به مثابه سکویی برای گسترش دانش موجود است. خطر برای کسانی که سعی می‌کنند در پروژه تحقیقی‌شان انقلابی باشند (به این معنا که مسیر ادبیات موجود را پیروی نکنند یا توسعه ندهند) آن است که علیرغم شایستگی‌های آنچه به آن نائل شده‌اند گرایش به غفلت از اصول پایه پژوهش تخصصی دارند. فرد باید همیشه به خاطر داشته باشد که برنامه پژوهشی تحصیلات تکمیلی در باب فرآیندی سیستماتیک می‌باشد و دقتی بیش از خلاقیت آسان‌گیرانه می‌طلبد. خلاقیت معمولاً مختص پژوهشگرانی است که قبلاً توانایی کامل بودن، دقیق بودن و سیستماتیک بودن را از خود نشان داده باشند (Toncich, 2006:139)

۷- نظم منطقی: تدوین پیشینه پژوهشی و مرور ادبیات آنگاه بسیار پرمشقت می‌شود که نتوان نظمی منطقی از درون ادبیات کشف کرد و یا نتوان خط سیر مشخصی را دنبال نمود. از اینرو ابتدا باید مطمئن شد که مهمترین منابع را شناسایی کرده‌ایم. برای تسلط بر این ادبیات، ابتدا باید بصورت متمرکز و پرتلاش به مطالعه ادبیات اقدام نمود. نکته مهم و ظریف آن است که ابتدای هر کار پژوهشی مستلزم صرف وقت زیاد است در حالی که معمولاً به نظر نمی‌آید که علیرغم صرف وقت پیشرفت زیادی کرده باشیم. این مسئله نباید باعث نومیدی ما شود. هرچه که کار جلوتر می‌رود این فرآیند معکوس می‌شود یعنی با صرف وقت کمتر، پیشرفت‌ها زیاد می‌شود. معمولاً در مراحل پایانی یا ویرایش نهایی، از آنجا که تسلط بیشتری بر موضوع داریم، شاهد تغییرات مهمی در محتوای کار پژوهشی هستیم. از اینرو باید خود را آماده کنیم

که در ابتدای مرور ادبیات انرژی زیادی صرف کنیم. البته در این میان نظم و انتظام و دسته‌بندی نقش بسیار مهمی دارد. ادبیات موضوعات علمی، همچون اقیانوسی وسیع است که اگر به گونه‌ای بی‌نظم و آشفته و بدون مهارت کافی به سراغ آن برویم در آن غرق می‌شویم. لذا باید سعی کرد که نظامی منطقی یا موضوعی محدود را کشف یا ابداع نمود تا بتوان از طریق آن به شناگری در این اقیانوس پرداخت و قبل از خستگی مفرط و افسردگی پژوهشی!! راه نجاتی یافت.

این نظم بسیار حیاتی است و جلوه‌های گوناگونی دارد که در نگارش و بازنویسی نیز باید رعایت شود. این نظم نیازمند ابداع و ابتکار شخصی شماست. البته باید توجه کرد که پیش‌نویس اولیه لازم نیست به صورت خط سیری نوشته شود. هنگامی که بخشی از نوشته دشوار یا زود هنگام باشد کاملاً قابل پذیرش است که به قسمت دیگری رفته و نگارش پیشینه پژوهش را به صورت غیر خطی تکمیل و در پیش‌نویس نهایی آن را سازماندهی مجدد کنیم. در پایان دادن نگارش پیشینه، اختصاص وقت برای ویراستاری، به شفافیت، ایجاز و همگونی آن کمک می‌کند. در اینجا باید از زبان فنی که برای مخاطب مبهم خواهد بود اجتناب کرد و همیشه واژگان ساده‌تر را ترجیح داد. وضوح و قابل فهم بودن متن را می‌توان از طریق خواندن آن برای فردی دیگر ارزیابی کرد (<http://www.tui.edu/current/phd/first/1r.asp>) نظم در ارائه ضروری است و برای خواننده‌ای که به اندازه شما با موضوع آشنا نیست اهمیت زیادی دارد. باید سعی کرد به ساده‌ترین شکل ممکن مرور را ارائه داده و استدلال‌های لازم را بیان کرد. "مهم است که پیشینه پژوهش ساختار منطقی و منسجمی داشته باشد که برای خواننده بخوبی واضح باشد. بهتر است خوانندگان چگونگی سازماندهی پیشینه را بدانند. روشی که برای سازماندهی مرور انتخاب می‌شود تا حد زیادی بستگی به اطلاعات جمع‌آوری شده دارد. برخی از پیشینه‌های پژوهش از ترکیبی از رویکردهای ساختاری استفاده می‌کنند" (Ferfolja and Burnett, 2002)

نهایت اینکه، پیشینه پژوهش باید در مقدمه خود نشان دهد که چگونه یک سیستم منطقی از تحلیل وضعیت جاری دانش می‌تواند به پیشرفت دانش منجر شود و در جمع‌بندی، پیوند میان دانشی که از دیگران به دست آمده و کاری که در طول برنامه پژوهشی توسط پژوهشگر انجام شده را نشان دهد (Toncich, 2006:150). نگارش بخش نتیجه‌گیری باید نکات آموخته در طول پیشینه پژوهش را خلاصه و منتقل کند. هر چند تعامل میان پرسش پژوهش و ادبیات مربوطه در سراسر مرور از پیش گویاست ولی این امر معمولاً تا نتیجه‌گیری مستقیماً بیان نمی‌شود. در نتیجه‌گیری، پژوهشگر می‌تواند دانش جدید به دست آمده بعد از مرور را با نمایش روابط میان پرسش پژوهش و ادبیات مرور شده منتقل کند.

نکته اساسی که در نتیجه گیری باید به آن توجه کرد این است که باید بتوان از درون پیشینه پژوهش عرصه های جدید، افق های آینده، خلاء های موجود و موضوعات اساسی پژوهشی که باید در پژوهش های بعدی بدان پرداخت را مشخص کرد. این امر بویژه برای پیشینه های پژوهشی که برای موسسات تحقیقاتی یا معاونت های پژوهشی دانشکده ها نوشته می شود ضروری است. چرا که بر اساس آن می توانند فعالیت های جدید خود را سامان داده و بودجه های تحقیقاتی خود را به صورت بهینه ای تخصیص دهند.

مرور سیستمی / Systematic Review

مرور سیستماتیک یا مرور نظام مند پیشینه پژوهش، فعالیتی پژوهشی است که ادبیات پژوهش را با هدف تجمیع دستاوردها به گونه ای دقیق، تکرار پذیر و قابل تعمیم مورد بررسی قرار می دهد. واژه دقت/Rigor در اینجا نه یک توصیه ساده و عمومی بلکه مفهومی متدولوژیک را مستفاد می کند و می توان آن را تعیین و تحدید موضوع مورد مطالعه و مشخص کردن واحد تحلیل بیان نمود که بر روی آن پژوهشی ویژه انجام می شود و مورد مطالعه تجربی قرار می گیرد.

آن اوکلی مرور سیستماتیک را چنین تعریف می کند: «مرور سیستماتیک، یافته های مطالعات تحقیقاتی مختلف بسیاری را به طریقی که صریح، شفاف، قابل تکرار، قابل محاسبه و ارزیابی و بالقوه قابل به روز رسانی باشد ترکیب می کند» دیویس این تعریف را توسعه می دهد و می گوید: «مرور سیستماتیک شکلی از ترکیب (سنتر) تحقیقاتی است که با عمل و سیاست شواهد محور و شناسایی مدارک تحقیقاتی انباشتی درباره یک موضوع یا پرسش، این امکان را فراهم می کند که ارزیابی منتقدانه ای از یافته ها، کیفیت متدولوژیک و تعیین پیام های متغیر و استوار پژوهش تحقق یابد. مرور سیستماتیک از انواع دیگر ترکیب های (سنتر) تحقیقاتی ... به خاطر روشی که پرسش پژوهش را شکل می دهد، رهیافت جامعی که به جستجو دارد، استراتژی ارزیابی انتقادی و شفافیت معیارهایش برای تعمیم و شمول یا مستثنا کردن برخی مطالعات متمایز می شود (Oakely in Nind, 2006:184) موضوع تلخیص سیستماتیک باید با شفافیت تعریف شود. سپس معیارهای (ارزیابی) نتایج باید به دقت تعریف و ابزارهای معتبری برای سنجش آن ها استفاده شود که فرآیندی دشوار و هزینه بر است. در مرور سیستمی برای ارزیابی مطالعات مناسب باید معیار صریحی در نظر گرفته شود تا معلوم کند که چه مقالاتی در بررسی استفاده شوند. پروتکل و تعریف معیارهای (ارزیابی) نتایج، اطلاعات کمی ای که باید استخراج شوند را تعیین می کند. متناسب با مشکلاتی که در فرایند کار پیش می آید معیارهای (ارزیابی) نتایج نیاز به بازتعریف دارند (CEBP, n.d: 2-5).

شاید جوهرهٔ پیشینهٔ پژوهش (مرور ادبیات تحقیق) که تاکنون در این دو مقاله^۱ مورد بحث قرار گرفته است به صورتی ضمنی همین بوده باشد. اما این ویژگی‌ها به صورت صریح و با تاکید بر تجربی بودن و تکرار پذیری برای نتایج مشخص، کاری است که تحت عنوان مرور سیستماتیک در ادبیات روش تحقیق به چشم می‌خورد. مرور سیستمی با روش‌های آماری در ادبیات رشته‌های پزشکی کاربرد ویژه‌ای دارد. این تصریح و تاکید بر دقت و تکرار پذیری که در بادی امر می‌توان به سادگی از آن گذشت تأثیری فوق‌العاده دارد و خود بستری را فراهم می‌کند که پیشینهٔ پژوهش از حالت انفعالی به درآید و عملاً به شکل یک فعالیت علمی-پژوهشی مستقل جلوه کند و نتایجی را برای تصمیم‌سازی، سیاست‌سازی و سیاستگذاری فراهم آورد. چه بسیار مدیران و پژوهشگرانی که از عدم به‌کارگیری مطالعات و پژوهش‌ها شکایت دارند و هزینه‌های مطالعاتی و پژوهشی را بر باد رفته تلقی می‌کنند. یکی از دستاوردهای مرور سیستمی می‌تواند استخراج نتایج سیاستی و کاربردی از درون همین فعالیت‌ها باشد.

مرور سیستمی در انتشارات بیوپزشکی

انفجار انتشارات بیوپزشکی در نیمهٔ دوم قرن بیستم و نیاز مدیران سلامت به دامنه‌ای وسیع از اطلاعات کارآمد درمانی تدوین مرور ادبیات را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. همچنین بسیاری از مطالعات، نتایج مبهم، گیج‌کننده یا کاملاً متناقضی ارائه می‌دهند که ملاحظهٔ مفردانه آنها ممکن است کارآمدی اندکی داشته باشد لذا این امید وجود دارد که گرد هم آوردن آنها تصویر شفاف‌تر و سازگارتری ایجاد کند. مرور ادبیات همواره بخشی از ادبیات پزشکی بوده است. در مرورهای سنتی / Traditional Review متخصصان هر حوزه‌ای به دنبال تلفیق سیاست‌ها و دانش موجود در آثار متقدم بوده‌اند و به ارزیابی اثربخشی یا کارایی مداخلات درمانی می‌پرداختند. این تلاش‌ها آن گونه که از آن انتظار می‌رفت دقیق نبود. همچنین یکی از مشکلات آن بود که پژوهشگران با ذهنی بی‌طرف با توصیه‌های احتمالی برخورد نمی‌کردند؛ بلکه درگیر شدنشان در مرور ادبیات به خاطر تجربهٔ انباشتی و آراء تخصصی‌شان بود؛ بنابراین مرور ادبیات بی‌طرفانه نوشته نمی‌شد. بدتر اینکه بررسی‌کننده ممکن بود به سادگی یک نمونه را در حمایت از اعتقادات شخصی‌اش به کار برد و بطور گزینشی مطالعات را ذکر کند. حتی اگر پژوهشگر بی‌طرفانه برخورد می‌کرد مرورهای روایتی، به ندرت در رابطه با چگونگی‌گزینش، ارزیابی و ترکیب صریح بودند. بنابراین پژوهشگر عموماً از ارزیابی درست‌نمایی اعتقادات قبلی یا مبانی دیگر که بر فرایند بررسی سایه می‌افکند ناتوان بود. به این دلایل مرورهای روایتی، گسترده و بی‌تأثیر بوده و هستند. بی‌کفایتی مرورهای سنتی ابتدا در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ و بعد با مقاله‌های برجستهٔ الیوت آنتمن و جوزف لو و همکاران در سال ۱۹۹۲ محرز شد. این مطالعات نشان دادند که دانش بیشتری برای منتفع شدن از تحقیقات انباشت شدهٔ موجود وجود دارد اما رهیافت‌های سنتی بطور وسیعی در استخراج آن ناکام بودند. آنچه مورد نیاز است دقت یکسان در تحقیقات ثانویه همانند تحقیقات اولیه است. مرور سیستماتیک هنگامی لازم است که یک پرسش درمانی ماهوی، چند مطالعهٔ اولیه و شاید با یافته‌های ناهمخوان و عدم اطمینان قابل توجه وجود دارد.

منبع: Davies and Crombie, 2001:2-3

۱. مقاله حاضر و مقالهٔ سلف آن که به اصول و مبانی پیشینهٔ پژوهش پرداخته است.

میلر و برور با اشاره به اینکه پژوهشگر در مرور سیستماتیک باید چگونگی انتخاب مدارک، ابزار اخذ داده از آنها، روش‌های جمع‌آوری این داده‌ها و نوع تحلیل آنها را مشخص کند، فرایند انجام مرور سیستماتیک را به روشنی توضیح می‌دهند. آنها بر اهمیت پروتکل تاکید کرده و معتقدند گرچه تهیه پروتکل مرور سیستماتیک کاری زمان‌بر است اما از حیث مشخص کردن تیم پژوهش، زمان مورد نیاز و تمرکز تیم ارزش بسیاری دارد. پروتکل مرور سیستماتیک با پیش زمینه و توجیهی برای انجام مرور شروع و با جزئیات روش شناسی آن ادامه می‌یابد. روش شناسی مرور باید جزئیات کافی برای امکان تکرار آن را داشته باشد. اجزای اصلی پروتکل عبارتست از:

۱- معیار گزینش؛ معیاری که پژوهشگر برای گزینش مدارک بر می‌گزیند به او کمک می‌کند بر اساس تناسب و قابلیت دسترسی، درباره انواع طراحی‌های مطالعاتی که مشمول مرور قرار خواهند گرفت تصمیم بگیرد. علاوه بر این، با افزودن جزئیات، ابهامات پرسش پژوهش را کاهش می‌دهد.

۲- استراتژی جستجو؛ استراتژی جستجو بر نحوه بازیابی مدارک دلالت دارد. مقالات را می‌توان از طریق جستجوی پایگاه داده‌های الکترونیک، جستجوی دستی مجلات مناسب و تماس با پژوهشگران در حوزه مورد علاقه بازیافت. برای اجتناب از تعصب در بازیابی مقالات، استراتژی جستجوی مشخص شده در پروتکل باید تا جای ممکن همراه با جزئیات باشد. در اکثر موارد، این امر فهرست واژگان کلیدی و چگونگی ترکیب آنها جهت استفاده در موتورهای جستجوی الکترونیکی را در بر می‌گیرد.

۳- معیار اعتبار؛ پس از تعیین نوع مطالعاتی که مشمول مرور قرار خواهند گرفت، پژوهشگر درباره نحوه ارزیابی اعتبار یا کیفیت هر مطالعه تصمیم می‌گیرد زیرا حتی مطالعات چاپ شده هم ممکن است ضعیف باشند. معیار اعتبار مدارک، عمدتاً بستگی به انواع مطالعات مشمول مرور دارد.

۴- استخراج داده، تحلیل و انتشار؛ سطح استخراج داده‌ها تا حد زیادی به نوع مرور بستگی دارد. طراحی فرم استخراج و طرح تحلیل برای مرورهایی که صرفاً شامل یک نوع طراحی مطالعاتی می‌شوند ساده است در حالی که برای مرورهای پیچیده در ابتدا وسیع طراحی شده و با ظاهر شدن انواع اطلاعات از مطالعات مختلف تعدیل می‌شوند. پروتکل باید شامل اطلاعاتی درباره نوع داده‌های مورد جستجوی مرور بر مبنای ملاحظات کاربران آن، روایتی، آماری یا ترکیبی [از این دو] بودن سنتز اطلاعات و چگونگی گزارش نتایج شود.

میلر و برور توصیه می‌کنند عناصر پروتکل قبل از جمع‌آوری داده‌های مرور مورد اجرای آزمایشی قرار گیرند. آنها در ادامه به بازیابی مدارک، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و گزارش

یافته‌ها می‌پردازند:

هنگام بازیابی ادبیات واجد شرایط، جستجوی مقالات با استفاده از استراتژی جستجوی مشخص شده در پروتکل انجام می‌شود. سپس مطالعات بر اساس معیار گزینش تعیین شده، ارزیابی می‌شوند. برای اجتناب از تعصب، بهتر است حداقل دو نفر مستقلاً این کار را انجام دهند و از مقیاس آماری مورد توافق متقابل استفاده کنند. در صورت اختلاف نظر، بایستی به نفر سوم مراجعه و نام نویسنده و مجله مورد اختلاف حذف شود.

در جمع آوری داده، ارزیابی کیفیت مقالات باید توسط حداقل دو نفر به طور مستقل انجام و سطح توافق آماری آنها ارزیابی شود. تیم پژوهش باید درباره چگونگی ارزیابی کیفیت تصمیم بگیرد. آنها می‌توانند نتایج به دست آمده را به طور متوالی بر اساس امتیاز کیفیت مدارک ترکیب کنند یا بخواهند امتیاز کیفیت را به عنوان عامل وزن دهی در مرحله تحلیل ترکیب کنند. این مرحله، تلاش برای کاهش اطلاعات ارائه شده در هر مقاله به حجم قابل مدیریتی است که مشمول تحلیل قرار گیرد. طراحی‌های مطالعاتی خوبی که به ارائه جزئیات نپرداخته‌اند را نباید حذف کرد بلکه بایستی با نویسندگان آنها برای کسب اطلاعات بیشتر تماس گرفت.

هنگام تحلیل داده، نتیجه گیری و گزارش یافته‌ها، اگر مرور شامل اطلاعات کمی باشد و مطالعاتی که این داده‌ها از آنها استخراج شده‌اند به اندازه کافی مشابه باشند، فراتحلیل آماری باید انجام شود. این روش، داده‌های مطالعات مختلف را با هم ترکیب می‌کند و اندازه تاثیر کلی پدیده تحت بررسی را نشان می‌دهد. در مواقع دیگر، باید از سنتز روایتی داده‌ها استفاده کرد که یافته‌های مطالعات مختلف را خلاصه و به پرسش اصلی مرور پاسخ می‌دهد (Miller and Brewer, 2003: 312-316).

مرور سیستماتیک به عنوان روش تلخیص مدارک تحقیقاتی جایگزینی برای مرورهای روایتی/Narrative Review است و تلاش می‌کند سطح یکسانی از دقت را برای مرور مدرک تحقیقاتی به کار گیرد که باید در تولید آن استفاده شود. بررسی سیستماتیک با کیفیت بالا، دقت زیادی می‌کند که تمام مطالعات مرتبط منتشر شده و منتشر نشده را بیابد، هر مطالعه را ارزیابی کند، یافته‌ها را از مطالعات فردی به روش بی طرفانه‌ای ترکیب کند و خلاصه بی طرفانه‌ای از یافته‌ها با توجه به کاستی‌های هر مدرک عرضه کند (Davies and Crombie, 2001:1).

مرور سیستمی علاوه بر تدقیق پرسش، جمعیت هدف مرتبط یا نمونه مورد بررسی را نیز تعیین می‌کند. مثلاً در رشته‌های پزشکی این پدیده می‌تواند تعیین یک بیماری و شناسایی جمعیت هدف این بیماری در یک منطقه خاص باشد. در علوم سیاسی می‌توان یک جمعیت ویژه رأی دهنده در یک انتخابات را که یک گرایش سیاسی مشترک داشته باشند به عنوان

جمعیت هدف تعیین کرد. پرسش دقیق و یک جمعیت هدف مشخص (مثلاً جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله‌ای که در یک شهر به یک کاندیدای خاص رای داده‌اند) مبنایی می‌شود برای انتخاب منابع و مطالعات مشابه. در این راستا مقالاتی که درباره جوانان شهری دیگر با همان گرایش و با کاندیدایی مشابه انجام شده است می‌تواند در مرور سیستمی ما جای گیرد. در مرور سیستمی، ایده‌آل آن است که پاسخ به این پرسش که یک مقاله یا منبع در زمره پیشینه ما قرار می‌گیرد یا نه توسط دو پژوهشگر جداگانه انجام گیرد. جستجوی متون و ارزیابی آنها به روش تجربی از مشخصه‌های مرور سیستمی می‌تواند باشد. همچنانکه ارزیابی مطالعات و ترکیب نتایج نیز از چنین روشی استفاده می‌کند و مرور سیستمی را از "مرور سنتی" متمایز می‌گرداند. خلاصه کردن مدارک شامل ارزشیابی انتقادی مطالعات ارزیابی شده می‌شود که کفایت اطلاعات بی‌طرفانه برای نتایج مستدل را ارزیابی می‌کند. هنگامی که مطالعات همگن شوند ادغام آماری آنها صورت می‌گیرد. اگر آزمون آنها ناهمگنی را نشان دهد، به جای یک فرضیه و تعمیم آن، اثر هر آزمایش جداگانه لحاظ می‌شود. در این صورت اختلاف اندک میان آثار آزمایشات می‌تواند ناشی از تفاوت در معیارها، نمونه‌ها یا استانداردها و روش‌ها باشد. بنابراین باید توضیح داد که چرا نتیجه هر آزمون متفاوت است. در ادغام داده‌ها به کار با آمار نیاز است که تفسیر نتایج را دشوار می‌کند. فراتحلیل یکی از پیشرفت‌هایی است که در این خصوص صورت گرفته است (CEBP, n.d: 2-5).

فراتحلیل، ترکیب کمی گزارش‌های تجربی مشابه است که در آن مطالعات پژوهشی گردآوری و کد گذاری شده و با استفاده از روش‌های آماری تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۸۷: ۱۱) در عین حال گزینه غیر تجربی استفاده از مجلاتی است که چکیده‌ها را در یک حوزه موضوعی منتشر می‌کنند که می‌تواند اجمالی از دامنه ادبیات موجود را فراهم کند. گزینه‌های دیگر، منابع عمومی مانند کتاب یا منابع خاص مانند مقاله پژوهشی هستند که می‌توانند نقطه شروع و فهرستی از منابع برای شروع بررسی را فراهم نمایند

(<http://www.tui.edu/current/phd/first/lr.asp>).

گرچه روش‌های آماری و کمی متداول در مرور سیستمی موجب شده این روش عمدتاً در ترکیب پژوهش‌های کمی پذیر مورد استفاده قرار گیرد اما اخیراً تلاش‌هایی برای استفاده از آن در ترکیب پژوهش‌های کیفی نیز به عمل آمده است. در ترکیب پژوهش‌های کیفی، پرسش اصلی به شفافیت و دقت پژوهش‌های کمی پذیر نیست و بیشتر به مثابه یک قطب نما مسیر پژوهش را تعیین می‌کند. این پرسش تا پایان مرور به طور نهایی معین نشده و بر حسب نتایج و یافته‌های جستجو تعدیل می‌شود. معمولاً نمی‌توان جستجوی منابع را به انواع خاصی از طراحی‌های مطالعاتی (مثلاً مصاحبه، گروه‌های متمرکز) محدود کرد و گزینش منابع توافقی

صورت می‌گیرد. برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها معمولاً از چک لیست استفاده می‌شود گرچه هنوز معیار شفافی در خصوص میزان ضعفی که به حذف یک پژوهش از مرور می‌انجامد دیده نمی‌شود (Dixon-Woods et al, 2006:32-35).

برای ارزیابی کیفیت مرور سیستمی دیدگاه‌های مشابهی عنوان شده که در اشاره به برخی جزئیات از هم متمایز می‌شوند. جدول زیر دو نمونه از رویکردهای ارزیابی کیفیت مرور سیستمی را نشان می‌دهد:

مقایسه دو دیدگاه درباره ارزیابی مرور سیستمی

ارزیابی مرور سیستماتیک از نظر دیویس و کرانی	ارزیابی مرور سیستماتیک از نظر لی وان پو
۱. آیا موضوع به خوبی تعریف شده است؟	۱. آیا سؤال مطرح شده شفاف است؟
۲. آیا جستجوی مقالات جامع بوده است؟	۲. آیا پرسش‌ها در اشکال قابل پاسخ جدا از یکدیگر بیان شده‌اند؟
۳. آیا معیارهای شفاف و بی‌طرفانه‌ای برای اینکه مقاله‌ای تحت شمول مرور ما قرار گیرد یا از آن حذف شود به کار برده شده است؟	۳. آیا معیار شمول مطالعات اولیه تعریف شده است؟
۴. آیا کیفیت مطالعه توسط پژوهشگر مستقل ارزیابی شده است؟	۳. آیا روش‌های ارزیابی مطالعات مناسب هستند؟
۵. آیا جستجوی اطلاعات از قلم استفاده از پژوهشگران مطالعه اصلی انجام شده است؟	۴. آیا ارزیابی انتقادی کیفیت مؤلفه‌ها انجام شده است؟
۶. آیا مطالعاتی که مشمول مرور ما قرار گرفته‌اند آثار مشابهی را نشان می‌دهند؟	۵. آیا هیچ ناهمگونی در نتایج مشاهده شده کشف شده است؟
۷. آیا قوت یافته‌های کلی به لحاظ گزینش یا کنار گذاشتن مطالعات مشکوک و امکان سوگیری منابع ارزیابی شده است؟	۶. اگر نتایج ترکیب شده‌اند، آیا مطالعات ترکیب شده مناسب هستند؟
۸. آیا نقش شانس ارزیابی شده است؟	۷. آیا روش‌های کمی استفاده شده مناسب هستند؟
۹. آیا توصیه‌ها قویاً بر اساس کیفیت مدارک ارائه شده‌اند؟ (Davies and Crombie, 2001: 4-5)	۸. آیا نتایج در راستای داده‌ها هستند؟ (CEBP, n.d:11)

مرور سیستمی به لحاظ لوازم متدولوژیک و گستردگی آن و امکاناتی که لازم دارد معمولاً در موسسات پژوهشی و برای اهداف ویژه‌ای کاربرد دارد. البته این بدان معنا نیست که یک دانشجوی دکترا یا یک پژوهشگر منفرد نباید یا نمی‌تواند چنین مطالعه‌ای انجام دهد. مرور سیستمی همچنین خود می‌تواند به صورت یک مطالعه یا یک پژوهش مستقل مطرح شود در حالی که مرور سنتی معمولاً مقدمه‌ای برای یک پژوهش جدید توسط یک پژوهشگر یا یک

دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکترا تلقی میشود. هر چند که پیشنهاد اصلی ما در این مقاله آن است که با توجه به وضعیت فعلی پژوهش‌ها و مطالعات ما و عدم انسجام آن و ناشناخته بودن بسیاری از مطالعات و عدم استفاده از دستاوردهای آنها، مرورستی نیز باید به مثابه مطالعات مستقل مورد تشویق و حمایت قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۸)، راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش‌های علمی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ب. خارجی:

- 1- Buttolph Johnson, Janet, Joslyn, Richard A., (1995), **Political Science Research Methods**, CQ Press, Third Edition.
- 2- CEBP, **Systematic Review and Meta-analysis**, an updated version of a paper, which appeared as Li Wan Po A. Evidence-based pharmacotherapy, *Pharmaceutical Journal* 1996; 256: 308-312. Retrieved from: www.aston.ac.uk/pharmacy/cebp.
- 3- Davies, Huw T O, Crombie, Iain K (2001), **What Is a Systematic Review?**, Vol.1, N.5, Retrieved from: <http://www.evidence-based-medicine.co.uk>.
- 4- Dixon-Woods, Mary, Bonas, Sheila, Booth, Andrew, Jones, David R., Miller, Tina, Sutton, Alex J., Shaw, Rachel L., Smith, Jonathan A., Young, Bridget (2006), "How Can Systematic Reviews Incorporate Qualitative Research? a Critical Perspective", **Qualitative Research**, vol. 6, N.1, pp. 27-44.
- 5- Ferfolja, T., Burnett, L. (2002), **Getting Started on your Literature Review**, The Learning Centre, UNSW.
- 6- Miller, Robert L., Brewer, John D. (2003), **The A-Z of Social Research**, Sage Publications Ltd.
- 7- Nind, Melanie (2006), "Conducting Systematic Review in Education: a Reflexive Narrative", **London Review of Education**, Vol. 4. No. 2, pp.183-195.
- 8- Toncich, Dario, (2006), **Key Factors in Postgraduate Research, a Guide for Students**, Published by Chrystobel Engineering.
- 9- Union Institute and University, **Literature Review**, Retrieved from: <http://www.tui.edu/curr>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی